

## ارزیابی انتقادی صورت‌بندی نظری امنیت اجتماعی در ایران

حمید سجادی\*

### چکیده

متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی در جوامع امروزی، فهم گسترده‌تری از امنیت حاصل شده است، آن‌چنان‌که از وجه نظامی با مرجعیت حاکمیت فراتر رفته و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، و سیاسی را نیز دربر گرفته است. در این زمینه تعاریف نوینی از امنیت صورت‌بندی شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مفهوم امنیت اجتماعی است. بنابه این مهم، در این مقاله به تجزیه و تحلیل سه اثر عمده و شاخصی پرداخته می‌شود که در تلاش برای صورت‌بندی نظری امنیت اجتماعی در جامعه ایران‌اند. با این توضیح کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای* نوشته‌ی قدیر نصری (۱۳۹۰) درباره‌ی شناسایی اصول و محورهای امنیت اجتماعی در نظریه‌های گوناگون و مؤلفه‌های اصلی امنیت اجتماعی در ایران بر مبنای این محورها؛ کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* (۱۳۹۲) اثر اصغر افتخاری درباره‌ی شناسایی الگوی امنیت اجتماعی در گفتمان اسلام و پیش‌نهاد اصول عملیاتی برای تقویت و تحکیم امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی؛ و کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* (۱۳۹۱) اثر میرسنده‌ی، که درکی عمیق از امنیت اجتماعی بر مبنای تحولات تاریخی ایران را جست‌وجو می‌کند، سه اثری‌اند که در تحقیق حاضر، ضمن معرفی آن‌ها، تلاششان در صورت‌بندی مفهوم امنیت اجتماعی در جامعه ایران به‌لحاظ شکلی و محتوایی نقد و بررسی می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت اجتماعی، هویت، گروه‌های اجتماعی، ملیت، ارزش‌های اسلامی.

---

\* دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، عضو هیئت علمی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

hmd\_sajadi@yahoo.com, H.Sajadi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

## ۱. مقدمه

امنیت از مهم‌ترین نیازهای جامعه بشری است که امروزه، متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و فهم گسترده‌تر از تهدید، از وجه نظامی فراتر رفته و سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، و سیاسی را نیز دربر گرفته است. امنیت اجتماعی به‌ویژه در چند دهه اخیر با بروز اشکال ناامنی اجتماعی هم‌چون بروز منازعات قومی و ملی و مذهبی، افزایش مهاجرت در داخل و بیرون از مرزها، حساس شدن گروه‌ها نسبت به هویت متمایز خود، ناکارآمدی دولت‌ها، و ارتقای توان‌مندی جامعه اهمیتی روزافزون یافته است. مواجهه با این سلسله علل و عوامل موجب شده است که توجه صاحب‌نظران امنیتی به امنیت اجتماعی افزایش یابد. مفهوم جدید امنیت اجتماعی محصول تلاش نظریه‌پردازانی چون بوزان و ویور برای صورت‌بندی تهدیدات معطوف به هویت است که وجه امنیتی در حوزه اجتماع گرفته است (واتسون ۲۰۰۵: ۹). باری بوزان در کتاب *مردم، دولت‌ها، و هراس* امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، قومی، و رسوم به‌هم‌راه شرایط قابل‌قبولی از تحول در آن‌ها می‌داند (بوزان ۱۳۷۸: ۳۴). پس از آن، اول ویور، در کتاب *هویت، مهاجرت، و دستور کار نوین امنیت در اروپا*، امنیت را شامل دو بعد دولتی و اجتماعی تعریف کرد؛ با این توضیح که امنیت ملی درگیر تهدیداتی است که متعرض اقتدار حاکمیت است، درحالی‌که امنیت اجتماعی دغدغه تهدیداتی را دارد که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد. اگر جامعه‌ای هویت خود را از دست بدهد، دیگر دوامی ندارد (ویور ۱۹۹۳: ۲۳). منظور از تهدید هویت جامعه تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد (همان: ۲۵). در این زمینه، اول ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اصلی خود در شرایط متغیر و تهدیدات احتمالی یا واقعی می‌داند (بوزان و ویور ۱۹۹۸: ۸). ویور هویت را در حد یک موضوع امنیتی ارتقا داد و یک‌سان‌سازی هویت‌ها به دست دولت‌ها را تهدیدی امنیتی برشمرد. با این حال، بسیاری از نظریه‌های امنیت اجتماعی دغدغه خود را فراتر از مباحث هویتی بردند و متغیرهای بسیاری را مورد توجه قرار دادند. برخی از نظریه‌های امنیت اجتماعی بر محوریت قانون تأکید کرده‌اند و امنیت اجتماعی را معطوف به نگرانی و صیانت از سلامت مردم در قبال حوادث غیرمترقبه، جنایات سازمان‌یافته، تبعات اجرای قوانین، و سیاست‌های دولتی می‌دانند؛ برخی دیگر از نظریه‌ها نیز بر «اعتماد و سرمایه اجتماعی» در موضوع امنیت اجتماعی و مصونیت گروه‌های اجتماعی در مقابل دغدغه‌های روانی و برنامه‌های خطرناک تأکید دارند؛ بعضی

دیگر بر سلامت روحی - روانی جامعه و آسیب‌پذیری جامعه در مقابل فناوری‌های نوین تأکید دارند. با این وصف که فناوری‌های نوین قادرند از خصوصی‌ترین و درونی‌ترین عرصه حیات آدمیان امنیت‌زدایی کنند (نصری ۱۳۹۰: ۹۳). نهایت امر این که جهان امروز در حوزه مطالعات امنیتی تغییر پارادایمی را شاهد است که موجب شده تا جامعه وزنی گران و هم‌سنگ دولت در معادلات امنیتی بیابد، تاجایی که ترسیم نمودار امنیت و تبیین وضعیت امنیت یک کشور با محوریت امنیت اجتماعی آن پی‌گیری می‌شود.

## ۲. طرح مسئله

در ایران نیز مقوله امنیت اجتماعی<sup>۱</sup> موضوع تحقیق و پژوهش‌های بسیاری بوده است. حجم زیادی از مطالعات امنیت اجتماعی در ایران به‌منظور ارزیابی وضعیت امنیت اجتماعی و شناسایی موانع و علل ارتقای امنیت اجتماعی بر مبنای نظریه‌های ازپیش‌پرداخته در دیگر جوامع و براساس رویکرد مکتب کپنهاگ انجام شده است.<sup>۲</sup> در این میان محدود اثری را می‌توان شناسایی کرد که درصدد ارائه صورت‌بندی امنیت اجتماعی در جامعه ایرانی به‌معنای دقیق آن باشد. از همین رو، موضوع امنیت اجتماعی ایران به‌لحاظ معرفتی و نظری با چرایی‌های بسیاری مواجه است، این که معنای امنیت اجتماعی در جامعه ایران چیست، مؤلفه‌های شکل‌دهنده امنیت اجتماعی در ایران کدام‌اند، و چه مسائلی را می‌توان در ذیل مقوله امنیت اجتماعی در ایران به‌شمار آورد. بنابه این مهم در این مقاله معرفی، نقد، و بررسی سه اثری که درصدد صورت‌بندی نظری مفهوم امنیت اجتماعی در جامعه ایران برآمدند، مبنای بحث قرار گرفته است. با این توضیح در اثر اول، یعنی کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه/ای* اثر قدیر نصری (۱۳۹۰)، نویسنده تلاش کرده است تا بر مبنای مفاهیم اصلی امنیت اجتماعی در نظریه‌های گوناگون مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در ایران را توضیح دهد؛ اثر دوم کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* (۱۳۹۲) نوشته اصغر افتخاری است، که در آن نویسنده درصدد شناخت مفاهیم امنیت اجتماعی در گفتمان اسلام و پیش‌نهاد اصول عملیاتی برای تقویت و تحکیم امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی است؛ کتاب سوم با عنوان *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* نوشته میرسندسی (۱۳۹۱) است، در این کتاب کوشش شده است تا درکی عمیق از امنیت اجتماعی بر مبنای تحولات تاریخی ایران با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی ارائه شود. آثار سه‌گانه مذکور عمده‌ترین تحقیقات نظری انجام‌شده در ایران در حوزه امنیت اجتماعی‌اند که در تحقیق حاضر، ضمن معرفی

این آثار، نقد و بررسی آن‌ها از لحاظ شکلی و محتوایی، نقاط ضعف و قوت و دستاوردهای این آثار، به‌منظور فراهم‌آوردن مؤلفه‌های اساسی در صورت‌بندی امنیت اجتماعی در جامعه ایران، تجزیه و تحلیل می‌شود.<sup>۳</sup>

### ۳. معرفی نویسندگان

اصغر افتخاری نویسنده کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) است. کتاب‌های *تهدید نرم* و *گونه‌شناسی تهدید در گفتمان قرآن*، *تهدید نرم: رویکردی اسلامی*، و *امنیت اجتماعی شده در سیره نبوی (ص)* از جمله آثار وی در حوزه امنیت است. قدیر نصری نویسنده *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی* است. *مبانی هویت ایرانی، مناطق حیاتی خاورمیانه، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران* از جمله مهم‌ترین آثار وی است. سیدمحمد میرسندسی نویسنده کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* استادیار دانشگاه امام حسین (ع) است. از جمله آثار وی می‌توان به *جامعه‌شناسی انواع دین‌داری و چشم‌انداز جامعه‌شناسی* به عدالت اشاره کرد.

### ۴. معرفی کتاب‌ها

#### ۱.۴ کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی*

کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* نوشته اصغر افتخاری<sup>۴</sup> شناسایی معنا و ارکان مفهومی «امنیت اجتماعی شده» در گفتمان اسلامی را مسئله اصلی خود قرار داده است. نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند، با استخراج آموزه‌های قرآنی و مقایسه با سایر نظریه‌های موجود، ارکان نظریه‌ای منسجم و مستقل برآمده از گفتمان سیاسی - اجتماعی اسلام در باب «امنیت اجتماعی شده» را ترسیم کند. با توجه به ماهیت و اهداف تعریف‌شده و متناسب با نیاز برآمده از روش تحقیق، کتاب در شش فصل سازمان‌دهی شده است. افتخاری پس از تبیین مرزهای گفتمانی امنیت اجتماعی شده در گفتمان اسلامی و جاهلی نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده را به‌منزله یک فضای تحلیلی که در آن همه پدیده‌های امنیتی اعم از سخت‌افزار یا نرم‌افزار، سیاسی یا اقتصادی یا غیر آن، داخلی یا خارجی، هویت اجتماعی دارند مطرح کرده است (همان: ۳۵۵).

#### ۲.۴ کتاب درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها، و نظریه‌ها)

درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها، و نظریه‌ها) نوشته قدیر نصری<sup>۵</sup> تلاشی برای فهم چستی معنای امنیت اجتماعی و شناسایی ارکان و مؤلفه‌های آن است. پاسخ به این سؤال که چه نظریه‌هایی در حوزه امنیت اجتماعی وجود دارد و الگوی غیرغربی پرداختن به امنیت اجتماعی چیست در ذیل هشت فصل دنبال شده است. نویسنده در ذیل عنوان «مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در جوامع غیرغربی» با نگاهی به ایران، دلایل تأمل در معنای غربی امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های کلیدی - حیاتی امنیت در ایران را موردتدقیق قرار داده است. نصری پژوهش خود را از مرور صرف نظریه‌های کلاسیک امنیت اجتماعی در غرب فراتر برده و کاوش انتقادی در ریشه‌ها و شیوه‌های ظهور آن نظریه‌ها و هم‌چنین ایضاح معضلات جامعه ایرانی را نیز مدنظر داشته است. نویسنده بر این باور است که برخی موضوعات ناامنی/امنیت اجتماعی در غرب، به‌ویژه در متون تولیدی اصحاب مکتب کپنهاگ، مانند سیاسی شدن فرهنگ یا امنیتی شدن هویت، با کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) وجه یکسانی دارند که می‌توانند در حوزه روشی و مرزبندی مبحث امنیت اجتماعی و تفکیک حدود آن از امنیت فردی و ملی برای مطالعات امنیت اجتماعی در ایران مفید و حائز اهمیت باشند (همان: ۱۸۳).

#### ۳.۴ کتاب جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران

سیدمحمد میرسندسی در جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران<sup>۶</sup>، با این استدلال که یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند شناخت ما را از امنیت اجتماعی واقعی‌تر کند نگاه تاریخی به پدیده امنیت است، درصدد است تا با محور قراردادن نگاهی تاریخی مفاهیم و نگرش‌های نو به امنیت در بستر فرایند تاریخی ایران و در روابط و مناسبات عرصه‌های زیستی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی را شناسایی کند. با این توضیح کتاب دربرگیرنده سه بخش و هشت فصل و یک مقدمه است. میرسندسی جغرافیای زیست‌قبیله‌ای و پی‌آمدهای تاریخی شیوه زیست مبتنی بر کوچ (پی‌آمد ناامنی) و تأثیر آن در احساس ناامنی را بررسی کرده است. نویسنده با نگاه فرایندی به شناسایی پدیده امنیت/ناامنی پرداخته و شکل‌گیری و استمرار اقتصاد حداقلی و معیشت‌گرا و پنهان‌کاری در روابط اجتماعی را به‌منزله مهم‌ترین پی‌آمدهای اقتصادی احساس ناامنی در تاریخ ایران شناسایی کرده است (همان: ۵۵-۱۱۱).

نویسنده از شیوه زیست‌قبیله‌ای پلی به ساختار سیاسی زده و فرایند تکوین دولت و پی‌آمدهای آن، به‌ویژه از منظر امنیت، را بررسی کرده است و پیوستگی غارت‌گری در جایگاه سیاسی، فراگیری و پیوستگی نگرش تخریبی، هم‌ستیزی اجتماعی در سطح گسترده: زوال سرمایه اجتماعی و پی‌آمدهای امنیتی حکومت‌های قبیله‌ای در ایران را نتیجه می‌گیرد (همان: ۱۱۳-۱۶۱).

## ۵. واکاوی مفهوم امنیت اجتماعی در متون موردبررسی

### ۱.۵ درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای

نصری در کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای* تلاش دارد تا با طرح سؤالات دقیق و متنوع ابعاد مفهوم امنیت اجتماعی را شناسایی کند. امنیت اجتماعی در نظر نصری در حد فاصل بین امنیت فردی و ملی است که به تبع آن منبع، مرجع، و ابزار تهدید متفاوتی نیز دارد. وی در خصوص مرجع امنیت و پاسخ به این پرسش که امنیت چه بخش یا چه کسانی مورد نظر است، گروه‌های اجتماعی را مرجع امنیت اجتماعی معرفی می‌کند. هم‌چنین در خصوص منبع ناامنی اجتماعی و این‌که گروه‌های اجتماعی در مقام مرجع امنیت اجتماعی در مقابل چه چیزی یا کدام نیرویی احساس مخاطره می‌کنند سطوحی از امنیت اجتماعی را برمی‌شمارد؛ اولین مرتبه امنیت اجتماعی بقا و موجودیت گروه است. دومین سطح یا مرحله بالاتر امنیت گروه سبک زندگی است و در نهایت والاترین سطح امنیت اجتماعی هنگامی است که گروه بتواند به طراحی سیاست زندگی بپردازد. نصری در یک تعریف شفاف و صریح امنیت اجتماعی را اطمینان خاطر گروه‌های مختلف اجتماعی از حفظ موجودیت و هویت خود در برابر تحولات عادی و تحرکات عمدی می‌داند. هرچند در شمارش مؤلفه‌های حیاتی امنیت اجتماعی با تمرکز بر ایران نشان می‌دهد که ورای موجودیت و هویت به «سبک زندگی» نیز به‌منزله مؤلفه سوم و از محورهای تعیین‌کننده مرز امنیت اجتماعی قائل است (نصری ۱۳۹۱: ۱۱-۱۴).

### ۲.۵ جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران

میرسندسی تعریف امنیت اجتماعی را از طریق سطح‌بندی انواع امنیت جست‌وجو می‌کند؛ با این توضیح که در سطوح فردی، گروه‌های اجتماعی (حدفاصل بین فرد و جامعه)،

اجتماعی و فرااجتماعی (بین‌المللی) امنیت اجتماعی را سطحی از امنیت تعریف می‌کند که به گروه‌های اجتماعی می‌پردازد (میرسندسی ۱۳۹۱: ۳۴). در نظر وی، امنیت اجتماعی در ارتباط با پدیده‌های اجتماعی از جمله گروه‌ها و اجزای جامعه مانند: نهادهای اجتماعی، سازمان‌ها، اجتماعات زیستی و منطقه‌ای، و نظایر آن تعریف می‌شود. میرسندسی بر ظرفیت‌های اجتماعی برای ایجاد امنیت تأکید دارد و شناسایی ظرفیت‌های اجتماعی و قابلیت‌های جامعه در حفظ و ارتقای هویت و منافع و نهایتاً افزایش سطح امنیت را از طریق مراجعه به ویژگی‌های تاریخی جامعه میسر می‌داند (همان: ۳۳-۴۹).

عدم تدقیق نظری و مفهومی موجب شده است تا در خلال بحث، مقوله امنیت اجتماعی در ذیل مفاهیم گوناگون قرار بگیرد و در بسیاری موارد نشانی از آن باقی نمی‌ماند. گاه امنیت اجتماعی به منزله پروژه‌ای تعریف می‌شود که می‌بایست به مثابه یک برنامه ملی اجرا و عملیاتی شود و گاه به منزله تولید اجتماعی که مسئول تولید آن جامعه است (همان: ۴۵). گاه با وجود این که امنیت اجتماعی در سطح بندی ارائه شده در ذیل حوزه جامعه‌شناسی تعریف شده است، با رویکردی خردنگر، در دامان دغدغه‌ها و اضطراب‌های روانی افراد محصور می‌شود (همان: ۸۶، ۱۶۶)؛ گاه این مفهوم با مفهوم پلیس جامعه‌محور متشبه می‌شود و گاه در ذیل مفهوم امنیت محو می‌شود؛ گاه در ذیل بحث توسعه می‌غلطد (همان: ۹۴، ۹۵، ۱۲۲) و نهایتاً در جایی که می‌بایست ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تولید امنیت اجتماعی در فراخنای تاریخی شناسایی شود فقط منابع نامنی که غالباً فصل آن‌ها سپری شده است بررسی و شناسایی می‌شوند (همان: ۷۴، ۸۳، ۹۹).

### ۳.۵/ امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی

افتخاری در کتاب امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی در ابتدای امر بیش از هر چیز تلاش دارد تا فضایی را برای طرح مفهوم نوین خود مهیا سازد و قاعدتاً در شروع از ارائه هر تعریفی بازمی‌ماند، درست به همان شکل هیچ تعریفی را نیز بر نمی‌تابد. افتخاری این مفهوم را در قالب دو گفتمان سلبی و ایجابی امنیت طبقه‌بندی می‌کند. با این توضیح که در گفتمان سلبی امنیت به «نبود تهدید» معنا می‌شود (افتخاری ۱۳۹۲: ۵۸). در گفتمان ایجابی نبود تهدید شرط لازم برای امنیت‌سازی محسوب می‌شود، اما شرط کافی نیست. در گفتمان سلبی امنیت، عینیت‌ها در اولویت‌اند و به همین علت تهدیدها در آن «سخت‌افزار گرایانه» اند. در گفتمان ایجابی مؤلفه‌ها و عوامل ذهنی به مراتب اولویت و اهمیت

بیش‌تری دارند و به همین دلیل، ماهیت امنیت و تهدید «نرم‌افزارانه» خواهد بود (همان: ۹۶). از نظر وی، امنیت اجتماعی از منظر اسلامی نیز با «هویت» شناسانده می‌شود، اما کیفیت این انتساب از حیث فلسفی و نظری متفاوت است. نکته قابل‌ذکر در خصوص این فضا سازی برای جایابی و تبیین امنیت اجتماعی اسلامی این است که، با قرار گرفتن در ذیل گفتمان امنیت ایجابی، وجوه سلبی امنیت که بخش مهمی از فهم امنیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد مورد غفلت قرار گرفته است. علاوه بر این، با تمرکز صرف در «نص» برای شناسایی تعریف امنیت اجتماعی به شکل بارزی وجه اجتماعی و زمینه‌مند نظریه امنیت اجتماعی را نادیده می‌گیرد، امری که ضعف اساسی برای این تعریف ارزیابی می‌شود.

## ۶. مسئله صورت‌بندی امنیت اجتماعی

کتاب جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران شناسایی و فهم مهم‌ترین مؤلفه‌ها (پدیده‌ها)ی تاریخی مؤثر در وضعیت امنیت اجتماعی ایران را مسئله اصلی کتاب طرح کرده است. فهم این مهم با پرسش از رابطه میان وضعیت جغرافیایی ایران با تأکید بر متغیر کمبود آب، فرهنگ ناشی از وضعیت جغرافیایی ایران با متغیر قبیله‌گرایی، روند اندیشه‌ورزی در ایران، ساختار سیاسی ایران، و نهایتاً نفوذ مدرنیته غربی در ایران با امنیت اجتماعی پی‌گیری شده است. میرسندهی در این کتاب به واکاوی تاریخ ایران به منظور شناسایی ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه ایران به منظور تولید امنیت به‌ویژه امنیت اجتماعی در جامعه امروز پرداخته است.

مسئله اصلی کتاب درآمدهی نظری بر امنیت جامعه‌ای چیستی معنای امنیت اجتماعی است، این که ارکان و مؤلفه‌های آن کدام است، چه نظریه‌هایی در این خصوص وجود دارند، و الگوی غیر غربی پرداختن به امنیت اجتماعی با تأکید بر ایران چیست. نصری مسئله را با سه پرسش کلیدی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، و روش‌شناسانه دنبال می‌کند؛ با این توضیح که در امنیت اجتماعی امنیت چه بخشی یا چه کسانی تأمین می‌شود، منبع ناامنی اجتماعی کدام است، و گروه اجتماعی در مقام مرجع امنیت اجتماعی در مقابل چه چیزی یا کدام نیرویی احساس مخاطره می‌کند؟ ابزارهای امنیت/ناامنی اجتماعی چیست؟ ابزار تهدید/تمهید امنیت اجتماعی کدام‌اند؟ آیا ابزارهای معطوف به امنیت اجتماعی با ابزارهای مورد بحث در امنیت فردی مشابهت‌هایی دارد یا نه؟ و نهایتاً این که سطوح و مراتب امنیت اجتماعی کدام است؟ (نصری ۱۳۹۰: ۱۷-۲۲).



مسئله اصلی کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* چیستی معنا و ارکان مفهومی امنیت اجتماعی در گفتمان اسلامی است. افتخاری در این کتاب تلاش کرده است تا با استخراج آموزه‌های قرآنی و مقایسه با سایر نظریه‌های موجود ارکان نظریه‌ای برآمده از گفتمان سیاسی اجتماعی اسلام در باب امنیت اجتماعی را شناسایی و تدوین کند. پاسخ به این مسئله به شکل مرحله‌ای و با طرح سؤالات بنیادی در خصوص چیستی امنیت و اجتماع و شناسایی نظریه‌های امنیت اجتماعی، هم‌چنین شناسایی اصول و مبانی مکتب امنیتی اسلام، پی‌گیری می‌شود.

شاید مشکل اصلی در طرح این سؤالات گسترده این است که هیچ‌گاه جامعه، به منزله مخاطب مسئله، سوژه فعال نیست؛ آن‌چنان‌که امنیت یا ناامنی را او باید درک کند و لاجرم پژوهش‌گر نیز باید صدای او را شناسایی کند. اوست که می‌باید به‌مثابه مرجعی برای پاسخ به بود و نبود و میزان هراس و بیم از حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره‌نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، و مصون‌بودن از تهدید و خطر، و درکل هر عاملی که آرامش جامعه را از بین ببرد شناسایی شود و بنابر پیوند و درهم‌تنیدگی امنیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی درک و فهم جامعه را ضمن شناسایی وضعیت عینی جامعه در این حوزه‌ها موردسؤال قرار دهد.

## ۷. روش‌شناسی متون

### ۱.۷ روش‌شناسی امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی

روش مطالعه در کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* «پارادایم کیس» است (افتخاری ۱۳۹۲: ۱۱۱). کیس در کتاب *افتخاری قرآن کریم* است و مزیت فرامکانی و فرازمانی بودن را دارد. افتخاری با بهره‌گیری از این روش تلاش دارد امنیت اجتماعی در قرآن کریم را درک و اصول مبادی شناخت آن را شناسایی کند. با این توضیح، وی در ابتدا مدخل‌ها در قرآن کریم را بنابر ارتباطی که با موضوع جامعه و امنیت دارند تعیین می‌کند، سپس با این کلیدواژه‌ها به سراغ قرآن کریم می‌رود، مجموع آیات مرتبط را (بالغ بر دویست آیه) گردآوری می‌کند، و نهایتاً جامعه آماری اولیه پارادایم کیس را تدوین می‌کند. سپس با استفاده از روش «ساخت‌بندی معنایی آیات» بسته معنایی آن‌ها را استخراج کرده و در ادامه بسته‌های معنایی شناسایی شده روی جدولی به صورت افقی و عمودی گذاشته شده و رابطه آن‌ها به صورت هندسی ترسیم شده است. در پایان، محقق با استناد به تفاسیر و با استناد به

اصول و کلیت دین اجتهاد علمی می‌کند که در واقع نتیجه مدل استنتاجی از طریق پارادایم کیس است. به گفته وی، این مدل استنتاجی تبیین می‌کند که برای درک امنیت اجتماعی در اسلام باید روی چه مؤلفه‌هایی و در چه حوزه‌هایی معاشناسی کرد و ارتباطات مفهومی آن‌ها را با یکدیگر درک کرد (همان: فصل سوم، ۱۰۷).

### ۲.۷ روش‌شناسی درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای

نصری با باور به ماهیت ذهنی و سیال گزاره‌ها و چندلایه و کیفی بودن تحولات در حوزه اجتماعی بر ضرورت بهره‌گیری از روش تحلیل تفسیری تأکید دارد. شیوه نگارش نصری در استنباط و استخراج مسائل و نامنی‌های جامعه‌ای کانستراکتیویستی است. در چنین نگاهی هیچ واقعیت سیاسی یا اجتماعی‌ای مستقل از درک و برداشت جامعه وجود ندارد. با این توضیح که منافع و ترجیحات و گرایش‌ها در اجتماع ساخته می‌شود و تعامل نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری برداشت‌ها و انتخاب‌ها دارد. در این معنابخشی، عوامل غیرمادی (مانند شخصیت) به اندازه عوامل مادی (مانند سلامت بهداشتی) در رفتارها و عکس‌العمل‌ها اثرگذارند. در این میان، وی برای هویت نقش مهمی در شکل‌دهی به برداشت‌ها و منافع قائل است؛ آن‌چنان‌که بخش اعظم تلاش‌ها به حکم هویت و در پناه هویت صورت می‌پذیرد. بر این مبنا وی در کتاب خویش با روش تفسیری به کاوش در محیط پیدایش و گسترش رخدادهای می‌پردازد و از تعمیم بی‌حساب قواعد به شدت پرهیز می‌کند. به سخن دیگر، وی بر مبنای روش تفسیری، با اذعان بر یکتانگاری، برای هر مفهوم و تحولی معنایی خاص قائل است که به محیط‌ها و چهارچوب‌های دیگر قابل تعمیم نیست (نصری ۱۳۹۰: ۲۸-۳۰).

### ۳.۷ روش‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران

میرسندسی در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران، با طرح این سؤال که پدیده‌های تاریخی را با چه روشی می‌توان مطالعه کرد، بر این نکته تأکید دارد که مقوله امنیت و وضعیت آن در اجتماعی همانند ایران از جمله پدیده‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید، لاجرم درک درست و دقیق این موضوع فقط با نگاه تاریخی و از طریق شناسایی روندهای تاریخی، که جامعه امروز ما و مختصات اجتماعی آن را پدید آورده، امکان‌پذیر است. از این رو، وی با اتخاذ روش جامعه‌شناسی تاریخی به بررسی امنیت در فرایند تاریخی جامعه

ایرانی می‌پردازد. میرسندهی هم‌چنین، برای آن‌که مفهوم امنیت به‌منزله مفهوم و پدیده‌ای تاریخی از دقت کافی برخوردار باشد و تحلیل صورت‌گرفته معتبر باشد، از مفهوم نمونه آرمانی و بر بهره می‌گیرد. با این توضیح که در این الگو برای مطالعات تاریخی محقق به‌دنبال بازگویی روایت‌گونه وقایع و رخداد‌های تاریخی نخواهد رفت، بلکه با طرح‌واره‌های ذهنی از مفاهیم و پدیده‌های تاریخی موردنظر به واکاوی تاریخ و رخداد‌های تاریخی در فرایند درازمدت آن می‌پردازد و براساس مجموعه رخداد‌های تاریخی، سنخ آرمانی خود را تکمیل می‌کند (میرسندهی ۱۳۹۱: ۲۵-۳۱).

## ۸. نقد و بررسی شکلی اثر

### ۱.۸ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها، و نظریه‌ها)* نوشته قدیر نصری در سال ۱۳۹۰ در یک جلد و ۲۱۷ صفحه به‌چاپ رسیده است. کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* نوشته اصغر افتخاری در سال ۱۳۹۲ در یک جلد و در ۶۴۷ صفحه به‌چاپ رسیده است. کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* نوشته سیدمحمد میرسندهی در سال ۱۳۹۱ در یک جلد و در ۲۲۳ صفحه به‌چاپ رسیده است. هر سه کتاب را انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آماده‌سازی و چاپ کرده و هر سه در ذیل فاز اول (یعنی تولید مبانی و ادبیات نظری) در طرح جامع مطالعات امنیت اجتماعی به‌منزله طرح پژوهشی انجام شده‌اند.<sup>۷</sup> به‌لحاظ ویژگی‌های فنی این آثار، باید بیان داشت که جلد کتاب‌ها مناسب و با طرحی ساده مزین شده است. کتاب‌ها با قطع وزیری و جلد شومیز صحافی شده‌اند. صحافی کتاب‌ها خوب است و اغلاط چاپی نیز ندارد. صفحه‌آرایی آن‌ها مناسب و خوب است؛ هم‌چنین کیفیت چاپ مطلوب است و ایراد چاپی ندارد. حروف‌نگاری کتاب‌ها و به‌طور کلی اندازه فونت و سایز کلمات و فاصله جملات مناسب و چشم‌نواز است. فقط در کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی* ایتالیک کردن فونت به‌ویژه درجایی که متن در جدول قرار داده شده یا زمانی که متن در گیومه قرار داده شده است چشم‌انداز مناسبی ندارد؛ برای نمونه، پاراگراف آخر صفحه ۱۷ و پاراگراف اول صفحه ۱۸، پاراگراف اول صفحات ۲۱ و ۲۲، پاراگراف دوم صفحه ۲۵. هم‌چنین صفحه ۴۷۵ فونت نگارش شده به‌کلی با فونت کتاب متفاوت است که می‌بایست یک‌دست شود.

## ۲۸ نحوه مستندسازی و نشانی‌های درون‌متنی

- در کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی و کتاب درآمندی نظری بر امنیت جامعه‌ای* نشانی‌ها درون‌متنی است، اما ویژگی‌هایی که حدفاصل نام نویسنده و سال انتشار کتاب است در کم‌تر موردی رعایت شده باشد. ذکر کامل آیات و روایات زمانی که ترجمه آن نیز آورده شده است چندانی توجیهی ندارد (برای نمونه، بنگرید به افتخاری ۱۳۹۲: ۱۶، ۱۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰)؛
- در کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* به‌کرار مطالب در گیومه قرار داده شده است، بدون این‌که نشانی درون‌متنی آن بیان شود (برای نمونه، صفحه ۲۵ پاراگراف آخر؛ صفحه ۴۳ پاراگراف سوم؛ صفحه ۷۳ پاراگراف سوم). هم‌چنین شیوه نشانی‌ها درون‌متنی است باین‌حال، در مواردی منبع استفاده‌شده در پایان هر فصل در بخش پی‌نوشت‌ها (از جمله در پی‌نوشت‌های فصل پنجم، فصل ششم، و فصل هفتم) آورده شده است. به‌طور کلی، کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* در نشانی‌های درون‌متنی و مستندسازی کم‌تر مقید بوده است، این امر به‌ویژه درجایی که گزاره‌های اصلی و مفاهیم کلیدی را منتسب به نظریه‌های امنیت اجتماعی می‌کند از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و قاعدتاً ضعف آن نیز بیش‌تر نمایان می‌شود؛
- در کتاب *درآمندی نظری بر امنیت جامعه‌ای* برای مباحثی هم‌چون امنیت اجتماعی - امنیت عمومی (صفحات ۷۳-۷۵)، و مبحث جامعه‌شناسی امنیت (صفحات ۷۵-۷۶)، مرجع امنیت اجتماعی، منبع امنیت اجتماعی، ابزارهای امنیت/ ناامنی اجتماعی، سطوح و مراتب امنیت اجتماعی (صفحات ۱۹-۲۲) نشانی درون‌متنی و منبعی ارائه نشده است. این مهم از آن‌رو حائز اهمیت است که کتاب حاضر بیش از هرچیز واکاوی مفهوم امنیت اجتماعی در نظریات این حوزه را پی‌گیری می‌کند، لاجرم مستندسازی و غنی‌کردن مفاهیم به مجموعه‌ای از نظریات ضروری است.

## ۳۸ استفاده از جملات بلند در تیتیر

کوتاه‌بودن تیتیر عامل مهمی است که آن را از متن جدا می‌کند؛ به‌سخن‌دیگر، تیتیر خلاصه‌ای از یک متن است که می‌بایست کل متن را در چند کلمه خلاصه کند. باوجود این مهم، در آثار موردبررسی کم‌وبیش از جمله‌های طولانی در تیتیر استفاده شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران: پیچیدگی جامعه و رسوب واقعیت‌های اجتماعی تاریخی در جامعه (صفحه ۱۷)، اشاره‌ای به زمینه‌های پیدایش و گسترش مباحث امنیت اجتماعی (صفحه ۳۹)، مقایسه و تحلیل وضعیت تاریخی ساختاری سیاسی با گونه‌های فرق (صفحه ۱۷۲)، تحول معنای امنیت در ایران با توجه به گونه‌های ساختار سیاسی (صفحه ۱۷۴). علاوه بر این، شروع تیترا با پرانتز چندان مناسب و مرسوم نیست (صفحه ۳۹)؛
- در کتاب امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی: امنیت اجتماعی شده به مثابه جامعه تحت کنترل (دولت قدرت‌مند) (صفحه ۹۳)، امنیت اجتماعی شده در میانه سلطه و همکاری گروه‌های اجتماعی (صفحه ۱۹۴)، اولویت بخشی به مردم در سیاست ضد عملیات روانی حضرت نوح (ع) (صفحه ۲۸۱)؛
- در کتاب درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای: حوادث معلول تعامل بین کارگزار (agent) و ساختار (structure) هستند (صفحه ۸۹).

## ۹. نقد محتوایی آثار

### ۱.۹ ارزیابی متن در هماهنگی با مبانی اثر

مؤلفه‌های عام بسیاری برای نظریه‌پردازی قابل طرح است و دستاوردهای هریک از این سه پژوهش را، که هریک به نوعی داعیه طرح و صورت‌بندی نظریه امنیت اجتماعی را دارند، می‌توان در مصاف با این بایسته‌های نظریه‌پردازی به آزمون گذاشت. در این زمینه اثر افتخاری به علت تمرکز صرف بر ارزش‌های اسلامی وجه هنجاری یافته است و به تبع آن، مبحث امنیت اجتماعی در قالب مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها ارزیابی می‌شود که بنابر وجه هنجاری‌اش کم‌تر قدرت تبیین‌کنندگی دارد. هم‌چنین زمینه‌مندی نظریه مستلزم بناشدن نظریه بر بن‌مایه‌های ناامنی و مؤلفه‌های امنیت‌زای اجتماعی و داده‌های عینی و ذهنی اجتماعی است، حال آن‌که کتاب امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی، با تکیه بر مفاهیم و ارزش‌های اسلامی منفک از وجوه اجتماعی امنیت، به تدوین نظریه فقط بر پایه نص مبادرت کرده است. علاوه بر این، برجسته‌سازی رویکرد ایجابی به امنیت و به حاشیه‌راندن وجه سلبی و طرح ملاحظات ارزشی به منزله عاملی مستقل و مؤثر در شکل‌گیری مفهوم امنیت اجتماعی (افتخاری ۱۳۹۲: ۸۵-۹۸) موجب شده تا مفهوم مورد بحث وجهی هنجاری بیابد و کم‌تر دغدغه تبیین داشته باشد. به عبارتی محقق، بیش‌تر

از آن‌چه باید باشد، سخن رانده است تا تبیین آن‌چه هست؛ بدین‌سان مبحث امنیت اجتماعی در این اثر کم‌ترین قدرت را برای تبیین این پدیده به‌صورت واقعی و عینی در جامعه دارد. به‌ویژه این‌که محقق در جست‌وجوی متغیرهای اصلی امنیت و ناامنی اجتماعی کم‌تر بحث و نگاهی به جامعه داشته است. آن‌چنان‌که امنیت/اجتماعی‌شده؛ با رویکرد اسلامی مستقل از جامعه (به‌منزله سوژه فعال و ابژه شناخت) طراحی و تدوین شده است. نکته این‌که، امنیت اجتماعی طرح‌شده در اثر وی مفهومی زمینه‌مند و تولیدی جامعه نیست، بنابراین این جامعه است که می‌بایست با نظریه اجتماعی‌شده اسلامی محقق خود را وفق دهد.

مسئله اصلی پژوهش در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران شناسایی ظرفیت‌های تولید امنیت اجتماعی در فرایند تاریخی جامعه ایرانی است. باوجود این مهم، متن با بررسی فرایند نفوذ ویژگی‌های قبیله‌ای درون ساختار سیاسی، بررسی فرایند تکوین و ساخت‌یابی دولت در ایران، و شناسایی ویژگی‌های تاریخی ساختار سیاسی ایران در قالب گونه‌شناسی وبری (سنخ‌های آرمانی) مسئله اصلی پژوهش را به‌حاشیه برده است (فصول شش و هفت). علاوه‌براین، روند اندیشه‌ورزی و نفوذ مدرنیته غربی در ایران و تأثیرات آن در امنیت اجتماعی، که از جمله مسائل اصلی تحقیق است (میرسندسی ۱۳۹۱: ۴۸) و در سؤالات به‌طور خاص به آن‌ها اشاره شده است، به‌طور کل از گستره تحقیق و بحث خارج مانده و کم‌ترین بحثی در این خصوص ارائه نشده است.

عدم تدقیق رویکرد نظری موجب شده است تا کتاب جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران کم‌تر بر سطوح و مرجع امنیت متمرکز باشد؛ آن‌چنان‌که گاه از امنیت فردی سخن گفته می‌شود و گاه از امنیت دستگاه حکومت، بی‌آن‌که تفکیک مفهومی این مفاهیم تدقیق و ترسیم شود (همان: ۱۶۱). عدم تدقیق در تعریف امنیت و امنیت اجتماعی موجب شده است تا مبحث قدرت به‌جای امنیت مورد توجه نویسنده قرار گیرد، آن‌چنان‌که از موضوع امنیت غفلت ورزیده است. به همین روال گاه امنیت اجتماعی مترادف با پلیس جامعه‌محور قلمداد شده، گاه مفهوم امنیت اجتماعی آن‌چنان بسط داده شده که مترادف با امنیت گردیده، و گاه با امنیت اجتماعی مفهومی غیرمستقل و در ذیل امنیت ملی تعریف شده است (همان: ۱۸۰). گاه بحث از امنیت اجتماعی به‌طور کل چرخیده و به بحث امنیت تغییر جهت داده است، گاه مباحث از امنیت به مبحث توسعه تغییر مسیر داده (همان: ۹۴)، و گاه طرح و بسط مفهوم قدرت به‌جای امنیت در متن روی داده است.

درخصوص گزاره نهایی کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای*: «در کشوری مانند ایران مرزهای امنیت جامعه‌ای از سایر مفاهیم مشابه مانند امنیت ملی و امنیت فردی قابل تمیز نیست و هم‌پوشانی وسیعی بین امنیت/ناامنی جامعه‌ای و مفاهیم مشابه قابل مشاهده است» (همان: ۱۹۷)، نکته قابل ذکر این‌که این گزاره (هم‌پوشانی امنیت جامعه‌ای با مفاهیم مشابه مانند امنیت ملی و امنیت فردی) دال بر تعریفی است که حاکمیت از امنیت اجتماعی ارائه می‌دهد و وصفی ایدئولوژیکی از این مفهوم است و نه ضرورتاً تعریفی که جامعه از امنیت اجتماعی می‌تواند داشته باشد. بنابراین، برای صورت‌بندی امنیت اجتماعی باید دغدغه خاطر جامعه از آنچه موجب امنیتش می‌شود یا ناامنی‌اش را فراهم می‌آورد واکاوی شود.

## ۲.۹ به‌کارگیری ابزارهای علمی

بنابه باور کلی و رایج، جدول‌ها و نمودارها اطلاعات را به‌سرعت در معرض دید خواننده قرار می‌دهند، آن‌چنان‌که با دیدن نمودار در یک نگاه می‌توان به مجموعه‌ای از اطلاعات و ارتباط دو یا چند عامل پی برد. از همین رو، نویسندگان در سه اثر موردبررسی به‌وفور با استفاده از نمودار و جدول تلاش کرده‌اند تا ارائه اطلاعات مختلف به خواننده را تسهیل کنند. در سه کتاب موردبررسی از این ابزار استفاده کافی شده است، باین حال این بهره‌گیری از نمودار و جدول در برخی از موارد خالی از ایراد نیز نبوده است که در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

- در کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی*: نمودارها و اشکال ترسیم‌شده در مواردی آن‌چنان ساده و بدیهی است که کم‌تر نیازی به ترسیم بوده است (برای نمونه، نمودار شماره ۶-۲۰ در صفحه ۵۱۰ و نمودار شماره ۴-۶ در صفحه ۲۰۲)، در برخی موارد نیز آن‌چنان پیچیده می‌شود که کم‌تر کمکی به فهم بحث می‌کند (برای نمونه، نمودار شماره ۶-۲۱، صفحه ۵۱۸ یا جدول شماره ۶-۶، صفحه ۴۵۰)؛
- در کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران*: نمودار ۱-۴ درخصوص رابطه شدت ناامنی و زمان تکرار ناامنی کمک چندانی به فهم موضوع به مخاطب نمی‌کند (صفحه ۸۵)؛ درست به همان شکل که رابطه بدیهی و ساده تولید مساوی با مصرف به‌علاوه ملزاد تولید (صفحه ۹۳) یا شکل ۱-۸ مدل دوجهی ساختار سیاسی (صفحه ۱۶۳) چندان ضروری نیست.

### ۳.۹ اصطلاحات تخصصی

با وجود قراردادن سه اثر پژوهشی در ذیل یک طرح مطالعاتی و انتظاری که برای یک‌دستی معادل‌سازی درخصوص اصلی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم آن وجود دارد، در هریک از سه کتاب موردبررسی معادل خاص و متفاوتی برای اصطلاح «societal security» استفاده شده است؛ در کتاب *امنیت اجتماعی‌شده*؛ رویکرد اسلامی از معادل «امنیت اجتماعی‌شده»، در کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای* از «امنیت جامعه‌ای»، و در کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* «امنیت اجتماعی» معادل‌یابی شده است. در کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* متن به همان معادل واحد نیز مقید نبوده است؛ آن‌چنان‌که گاه عبارت امنیت اجتماعی آورده شده و در برخی موارد به امنیت جامعه‌محور معادل‌سازی شده است (برای نمونه، صفحه ۱۸۱ امنیت جامعه‌محور و در صفحه ۱۸۰ امنیت اجتماعی).

تعدد به‌کارگیری و واردکردن اصطلاحات دینی در حوزه امنیت اجتماعی در کتاب *امنیت اجتماعی‌شده*؛ رویکرد اسلامی موجب شده تا از روانی متن کاسته شود. برای نمونه می‌توان به اصطلاحاتی هم‌چون: امنیت‌شناسی درون‌نگر (صفحه ۹۶)، علی کامل، علی نسبی (صفحه ۲۹۲)، و ثوابت دینی (صفحه ۱۵۱) اشاره کرد.

در کل کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* کم‌تر از معادل‌های تخصصی استفاده کرده است و متن شکلی روایی و ساده دارد. با این حال در مواردی که از اصطلاحات تخصصی بهره برده است، برخی از آن‌ها توضیح بیشتر و معادل دقیق‌تری را می‌طلبد؛ از جمله نامفهوم‌بودن اصطلاح هم‌ستیزی (میرسندهی ۱۳۹۱: ۱۵۳)، برای «alienation» معادل بیگانگی گذارده شده است که معادل از خودبیگانگی معنای مناسب‌تری برای این اصطلاح به نظر می‌رسد (همان: ۱۶۶)، و برای «nation state» معادل دولت ملی گذارده شده که معادل مصطلح‌تر و مناسب‌تر آن دولت ملت است.

### ۴.۹ تحلیل رویکرد کلی

وجوه اشتراک و افتراق تعریف امنیت اجتماعی رویکرد اسلامی با نظریه‌های رقیب به‌خوبی تبیین شده است. در واقع صرف دوگانه‌سازی امنیت اجتماعی اسلامی و عرفی‌سازی امنیت اجتماعی و هم‌زادپنداری آن با مکتب کپنهاگ نمی‌تواند تبیین‌کننده این تمایز باشد (افتخاری ۱۳۹۲: ۵۴۱). در واقع دوگانه‌سازی نظریه اسلامی امنیت و عرفی‌پنداشتن مقوله



امنیت و سپس معادل‌دانستن آن با الگوی کپنهاگی امنیت اجتماعی چندان دقیق و درست نیست؛ درحالی‌که طیف وسیعی از نظریات امنیت اجتماعی طرح شده که حتی برخی در تعارض با الگوی کپنهاگی امنیت است (همان: ۵۴۶). در واقع صرف دوگانه‌سازی و برجسته‌کردن مرزهای مفهومی، هم‌چون دوگانه‌سازی الگوی جاهلی امنیت درمقابل الگوی امنیت جامعه‌ایمانی با وجه بالای پردکنندگی ایدئولوژیکی، نمی‌تواند کمک چندانی در عمیق‌شدن فهم و برساختن امنیت اجتماعی در جامعه ایران باشد (همان: ۵۴۹).

متغیرهای امنیتی برشمرده‌شده بیش از آن‌که وجهی اجتماعی داشته باشد نمایان‌گر امنیت و اطمینان خاطر افراد است و مفهومی به‌نام گروه اجتماعی مرجعیتی در مبحث امنیت اجتماعی ندارد. با این توضیح که ارزش‌های برجسته‌شده در امنیت اجتماعی رویکرد اسلامی افتخاری، بیش از وجه اجتماعی امنیت، بر نوعی امنیت فردی دلالت دارد و در تمرکزکردن بر گروه‌های اجتماعی که مرجع امنیت اجتماعی‌اند ناکام مانده است. این مهم در موارد متعددی هم‌چون تلاش برای تحصیل رضایت و یقینی که به فرد (افراد) دارنده‌اش آرامش می‌دهد نمود بارزی دارد.

در جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران جامعه مسئول ناامنی تعریف شده است، آن‌چنان‌که بر واگذاری مسئولیت نهادهای رسمی در تأمین و ارتقای امنیت به نهادهای اجتماعی تأکید شده است (میرسندسی ۱۳۹۱: ۱۸۱). به‌سخن‌دیگر، بحث واگذاری مسئولیت و کارکردهایی که نهادهای اجتماعی برای تولید نظم و امنیت می‌بایست متقبل شوند بیش از هرچیز در قالب پلیس جامعه‌محور قابل‌صورت‌بندی نظری است؛ حال آن‌که محور امنیت اجتماعی فهمی از امنیت را موردنظر دارد که جامعه آن را احساس و درک و بیان می‌دارد.<sup>۱</sup> در این‌جا جامعه خود محور ارزیابی و شناسایی امنیت می‌شود؛ ازهمین‌رو و رای دو رویکرد ذهنی و عینی که درخصوص این مقوله طرح شده است در ادبیات این حوزه فاصله چندانی میان مفهوم احساس امنیت اجتماعی و مفهوم امنیت اجتماعی نمی‌توان متصور شد.

ترسیم ساده‌ترین شکل نظام‌های سیاسی در دو قالب ساده و بدیهی دووجهی و سه‌وجهی به‌منزله نمونه آرمانی با تعریف کاملاً ابتدایی کمک چندانی به عمیق‌ترشدن فهم و دسته‌بندی نظام‌های سیاسی در ایران ندارد (همان: فصل هشتم). جدای از دوگانه‌سازی ابتدایی در متن باید بیان داشت که براساس مفهوم‌سازی و نمونه آرمانی نظام دووجهی و سه‌وجهی نه چگونگی شکل‌گیری ارکان درونی حکومت را می‌توان درک کرد و نه تشکیلات، تقسیمات، و کارکردهای سیاسی، اداری، و مالی، و نه فهم بهتری از ساختار

درونی قدرت و چگونگی پیوند با حکومت مرکزی را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، ساده‌سازی مفهومی و تقلیل موضوع موجب نادیده گرفتن بسیاری از متغیرها در ساختار سیاسی و قدرت بوده است با این توضیح که در استبدادی‌ترین وضع نیز ساخت قبیله‌ای و ایلاتی قدرت سیاسی، طبقه زمین‌داران بزرگ، هم‌چنین عنصر شریعت (پهلوان و نوشیروانی ۱۳۶۴) و نهاد دینی آن یعنی دستگاه روحانیت (الگار ۱۳۵۹) عناصر محدودکننده بودند. و رای رؤسای ایل، شاهزادگان، درباریان، تیولداران، مستوفیان، وزیران، والیان، و اشراف که نخبگان مرکزی را تشکیل می‌دادند، عده‌ای هم‌چون خوانین، صاحب‌منصبان محلی، و میرزاها را می‌توان مثال آورد که در مناطق خودشان مناصب دولتی را در اختیار و انحصار داشتند.

تقلیل تحولات اجتماعی سیاسی فقط بر مبنای دو مؤلفه قحطی و غارت (میرسندسی ۱۳۹۱: فصل چهارم) توضیح قانع‌کننده‌ای برای تحولات تاریخ اجتماعی نیست؛ درست به همان‌گونه که دستاورد چندانی برای ظرفیت‌های تولید امنیت اجتماعی به‌هم‌راه نیاورده است. ضعف تسلسل علی برای تبیین ارتباط مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی با امنیت، ضعف در زنجیره علل و عوامل تبیین‌کننده رابطه پنهان‌کاری باورها و ناامنی (همان: ۹۵)، تخمین و برآوردهای کمی پژوهش‌گر (همان: ۸۳) و نتیجه‌گیری و جمع‌بندی غیردقیق، ضعف در نحوه استدلال، و بیان عامیانه از جمله ضعف‌های روش‌شناسی در جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران است.

## ۵.۹ انطباق و جامعیت

مفهوم بومی بودن: زمانی که بنیادهای معرفتی اسلام منبع تمام‌عیار مفهوم امنیت اجتماعی معرفی می‌شود، عنوان بومی بودن و به عبارتی زمینه‌مندی مفهوم امنیت اجتماعی عنوانی درست و متناسب نیست؛ چراکه این مفهوم بیش از هرچیز بر خاص بودن و زمینه‌مند بودن دلالت دارد، حال آن‌که این مفهوم کم‌تر در خصوص بنیادهای معرفتی اسلام دلالت دارد. زمینه‌مندی در نظریه‌پردازی در جامعه ایران دال بر توجه به جامعه است که ارزش‌ها و باورهای اسلامی نیز بخشی از این مهم را تشکیل می‌دهد، بنابراین قرارداد تمام متغیرهای امنیت اجتماعی در ذیل دین فقط بخشی، هرچند مهم، از وجه امنیت اجتماعی را نمایندگی می‌کند (افتخاری ۱۳۹۲: ۵۴۸). برجسته‌سازی مفاهیم موجب شده است تا متن بیش از آن‌که وجه انضمامی داشته باشد وجه انتزاعی به‌خود بگیرد و حداقل ارتباط را با واقعیت اجتماعی برقرار کند.

محقق در جست‌وجوی متغیرهای اصلی امنیت و ناامنی جامعه کم‌تر بحث و نگاهی به جامعه داشته است. از این‌رو، دستاورد اثر کم‌ترین قدرت را برای تبیین این پدیده به‌صورت واقعی و عینی در جامعه دارد. به‌سخن دیگر، اثر مورد‌بحث و جهی هنجاری یافته و کم‌تر دغدغه تبیین را به خود اختصاص داده است و محقق متغیرهایی را برای شناسایی تهدیدات و بنابراین آسیب‌شناسی وضعیت جهت اخطار وضعیت بحرانی ارائه نمی‌کند.

نقد اصول پارادایمی (همان: ۵۵۱): اصول پارادایمی نیازمند طرح گزاره‌هایی است که وجهی عام با دامنه شمول گسترده و فراگیر داشته باشد. نویسنده در انجام این امر یعنی پیوند اصول دینی و رویکرد اجتماعی ناکام مانده و دچار تناقض شده است، آن‌چنان‌که در یک گزاره با عنوان اصل پارادایمی یک برای امنیت در گفتمان اسلامی بنیادی اجتماعی قائل می‌شود در گزاره بعدی (اصل پارادایمی دو) این بنیاد اجتماعی را فاقد اصالت می‌داند. در گزاره سوم و چهارم (اصول پارادایمی سه و چهار) دو ساحت کاملاً متفاوت، منفک، و مجزا در دو حوزه نظر و عمل را بدون هیچ‌گونه پشتوانه نظری به‌منزله اصول پارادایمی طرح می‌کند. در واقع نویسنده با وسوسه ایراد گزاره‌های کلان با دامنه شمول فراگیر در ورطه گزاره‌های پارادوکسیکال افتاده است. امری که نهایتاً هر گزاره دیگری را نقض می‌کند.

امنیت اجتماعی تحولات یا تحرکات معطوف به موجودیت گروه به‌منزله مصداق امنیت/ ناامنی جامعه‌ای تعریف شده است (نصری ۱۳۹۰: ۱۹۸). با این توضیح که برخی تحولات عادی (مانند غیراقتصادی شدن یک زبان) یا برنامه‌ریزی عمدی (مانند تخصیص تبعیض‌آمیز منابع) موجب ناامنی وجودی یک گروه می‌شود. نکته این‌جاست که تحولات معطوف به موجودیت گروه زمانی می‌تواند در مقوله امنیت اجتماعی قرار گیرد که مسئولی برای آن بتوان متصور شد. درجایی که مسئولی و طرف مقابلی نتوان برای مسئله‌ای متصور شد قاعدتاً نمی‌توان آن را در مقوله امنیت اجتماعی گنجانده؛ درست مانند زمانی که سیل یا زلزله‌ای رخ بدهد، باوجود آثار ویران‌کننده‌ای که دارد نمی‌توان به‌منزله مقوله امنیت اجتماعی محسوبش کرد، اما زمانی که دولت یا شخصیت حقوقی و حقیقی مناسبی مسئول سازه‌های ناایمن این بناها و مصیبت‌بارشدن این پدیده باشد و در یک سلسله‌مراتب رسیدگی و مسئولیت‌پذیری پاسخ‌گوی گروه آسیب‌دیده نباشد و حیات یا هویت گروه در معرض تهدید جدی قرار بگیرد، می‌توان هم‌چنین مقوله‌ای را در زیرمقوله امنیت اجتماعی مورد‌بحث قرار داد.

میرسندهی با وجود اذعان به مرجعیت گروه‌های اجتماعی در مقوله امنیت اجتماعی (میرسندهی ۱۳۹۱: ۳۵)، هیچ جمع‌بودن و انجمنی را مورد نظر قرار نداده است، آن‌چنان‌که بتوان براساس آن امنیت اجتماعی را به لحاظ مرجع آن از سایر سطوح امنیتی متمایز کرد.

## ۱۰. نتیجه‌گیری

سه اثر مذکور سه وجه بسیار مهم از مبحث امنیت اجتماعی در جامعه ایران را نقد و بررسی کرده‌اند، سه وجهی که هریک اجزای اصلی فهم و درک امنیت اجتماعی جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند: ایرانی‌بودن، اسلامی‌بودن، و مدرن‌بودن. در واقع، دغدغه‌های جامعه ایرانی که متأثر از تاریخ تحولات اجتماعی و درآمیخته با ارزش‌های دینی است و البته جامعه‌ای که در جهان مدرن قرار گرفته و دستاوردهای آن را نیز پیش روی خود دارد. بنابراین، هریک می‌توانند جایگاه مهمی در تبیین مفهوم امنیت اجتماعی جامعه ایران داشته باشند. مقدمتاً با توجه به هدفی که هریک از نویسندگان این متون برای خود تعریف کرده می‌توان حدود و ثغور تعاریف امنیت اجتماعی در نزد هریک را تصور کرد؛ افتخاری بنابر هدفی که برای صورت‌بندی جدیدی از امنیت اجتماعی دارد تلاش داشته تا فضای نظری‌پردازی‌اش را با رویکرد انتقادی به سایر تعاریف فراهم آورد و نصری با تدقیقی که بر نظریه‌های متعارف امنیت اجتماعی دارد تبیین دقیقی از این مفهوم در نظریه‌های متعارف ارائه می‌دهد و برمبنای این رویکردها حدود و ثغور امنیت اجتماعی در جامعه ایرانی را با بیان مؤلفه‌های کلی این مفهوم ترسیم می‌کند و نهایتاً میرسندهی نیز در رفت‌وبرگشت مفاهیم نظری و داده‌های تاریخی به تبیین این مفهوم در تاریخ ایران می‌پردازد. با این توضیح ارزیابی نقادانه هریک از این آثار گام مهمی در ارتقای شناخت مفهوم امنیت اجتماعی در جامعه ایران خواهد داشت. در این بخش مهم‌ترین خلئی را که در این آثار قابل‌شناسایی است می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

شناسایی مفهومی نوین در نص به منزله مهم‌ترین وجهی که دغدغه جامعه ایرانی را در چند دهه اخیر، به‌ویژه در نظام سیاسی و اجتماعی تشکیل داده، امری ضروری بوده که اثر امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی به نحوی روش‌مند، تلاش خویش را معطوف بدان کرده است. نکته قابل‌ذکر ساختار تعیین‌بخش معرفت در ایجاد امنیت به مثابه متغیر اصلی در اثر مذکور است، امری که جامعه را متغیری وابسته و منفعل قلمداد کرده و بدان وجهی

ایستا داده است که فاقد هرگونه سوژگی و کنش‌گری است (افتخاری ۱۳۹۲: ۵۵۲). مسئله مهم در این‌جا کنار گذاشتن جامعه به‌منزله سوژه فعال و ابژه شناختی است که به‌طور کل مبحث امنیت اجتماعی فارغ از این محور اصلی دنبال شده است. این مهم هم‌راه با وجه هنجاری رویکرد اسلامی غالب در کتاب مذکور موجب شده تا دقایق نظری کتاب کمک‌چندانی به ارتقای شناخت وضعیت امنیت اجتماعی جامعه ایران نکند. بنابراین، مفهوم اکتشافی از امنیت اجتماعی با رویکرد هنجاری که مجموعه بایدها و نبایدها و دوگانگی‌های غیرمنعطف را در خود جای داده کم‌تر دغدغه‌ای به زمینه‌مندی اجتماعی از خود نشان داده است.

کتاب *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای* نظریات گوناگونی را در حوزه امنیت اجتماعی طرح کرده و اجزای آن را به‌دقت واکاوی کرده و نهایتاً مفاهیم اساسی آن را شناسایی و نظریه‌ای را درباره آن مفهوم تبیین کرده است (نصری ۱۳۹۰: فصل چهارم). به‌تبع این انتظار ایجاد می‌شود که تصویری که در انتهای پژوهش از امنیت اجتماعی ایران ارائه می‌شود همان خصیصه مفهوم‌سازی و برجسته‌سازی و اولویت‌بخشی در مبحث امنیت اجتماعی ایران را داشته باشد، حال آن‌که در اثر مذکور امنیت اجتماعی نه با مفاهیم خاص و مشخص، بلکه با مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مجزا طرح شده است و نویسنده درپرتو آن‌ها درصدد ترسیم شاکله کلی مفهوم امنیت اجتماعی در جامعه ایران برآمده است، امری که چندان با نظریات امنیت اجتماعی متعارف که مفاهیم مشخصی را تعریف و تبیین می‌کنند مناسبت ندارد.

کتاب *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران* با رویکرد برجسته جامعه‌شناسی تاریخی مفهوم امنیت و تحولات امنیت و علل و عوامل مؤثر در امنیت اجتماعی و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تولید امنیت اجتماعی در فراخنای تاریخ جامعه ایران را نقد و بررسی کرده است. باوجوداین، رویکرد کتاب مذکور بیش‌تر از این‌که ظرفیت تولید امنیت ازسوی جامعه را موردتوجه قرار دهد، بر علل تولید ناامنی تمرکز کرده و بیش‌تر از این‌که اجتماع و گروه‌های اجتماعی کارگزار و سوژه امنیت باشند، تغییرات زیست‌محیطی به‌مثابه عوامل تولید ناامنی معرفی می‌شوند و نهایتاً بیش‌تر از این‌که امنیت اجتماعی موردنظر باشد امنیت و به‌عبارت دقیق‌تر، ناامنی در معنای کلان آن موردتوجه قرار گرفته است. به‌سخن دیگر، موضوع در این تحلیل دچار دگردیسی شده است. امری که درنهایت موجب شده است متن بیش‌تر از علل و عوامل تولید امنیت، از علل و عوامل تولید ناامنی در اجتماع سخن بگوید.

## پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به آثار مورد بررسی در این مقاله که هر یک ترجمان متفاوتی از Societal Security داشته‌اند (از جمله امنیت جامعه‌ای، امنیت اجتماعی شده، و امنیت اجتماعی)، برای یک‌نواختی متن، این اصطلاح به امنیت اجتماعی ترجمه و معادل گرفته شده است.
۲. در بسیاری از موارد حتی دقت مفهومی کافی در تعریف مفاهیم به‌عمل نیامده و مفاهیمی هم‌چون پلیس جامعه‌محور مترادف با امنیت اجتماعی قرار گرفته و حتی در مواردی اقدامات نیروی انتظامی ذیل عنوان امنیت اجتماعی فهم و درک شده است.
۳. سه اثر مذکور در ذیل بررسی نظری و روش‌شناختی امنیت اجتماعی قابل‌جمع‌اند که فاز اول طرح جامع مطالعات امنیت اجتماعی تولید و بسط دانش نظری و تجربی در حوزه امنیت جامعه و در جهت تولید مبانی و ادبیات نظری این حوزه تولید شده‌اند.
۴. اصغر افتخاری، کتاب *امنیت اجتماعی شده؛ رویکردهای اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
۵. قدیر نصری، *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها، و نظریه‌ها)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۶. سیدمحمد میرسندسی، *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۷. محمدعلی مینایی، *پیش‌گفتار، در جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۸. از همین رو است که بوزان در تعریف امنیت اجتماعی به تهدیداتی اشاره دارد که متوجه الگوهای سستی از داخل کشور است.

## کتاب‌نامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، *کتاب امنیت اجتماعی شده؛ رویکردهای اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الگار، حامد (۱۳۵۹)، *دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجاریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها، و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راه‌بردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راه‌بردی.
- پهلوان، چنگیز و وحید نوشیروانی (به‌کوشش) (۱۳۶۴)، *ایران‌شناسی*، تهران: فراز.

ارزیابی انتقادی صورت‌بندی نظری امنیت اجتماعی در ایران ۲۱۵

عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۳)، *جویشی بر شناخت امنیت ملی*، تهران: دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی.

لرنی، منوچهر (۱۳۸۳)، *امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها*، تهران: معاونت آموزش ساعس ناجا.  
میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نصری، قدیر (۱۳۹۰)، *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها، و نظریه‌ها)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Buzan, B. O. Waever and J. de Wilde (1998), *Security: A New Framework for Analysis*, Boulder, CO: Lynne Rienner.

Waever, O. (1993), "Societal Security: The Concept", in: Waever et al. (eds.), *Identity, Migration, and the New Security Agenda in Europe*, London: Pinter.

Waever, O. (1999), *Concepts of Security*, Copenhagen: University of Copenhagen.

Watson, Scott (2005), *Societal Security; Applying the Concept on the Process of Kurdish Identity*, University of British Columbia, <<https://www.cpsa-acsp.ca/papers-2005/>>.